

پیوستگی تکامل‌ها در فلسفه و

فلسفه و علم

آزادی بیان و اندیشه در جوامع اسلامی
سوء استفاده نموده و کم‌وبیش خودنمایی
می‌کردند ، و با پیشوایان بزرگ اسلام
مانند امام ششم به بحث و گفتگو
می‌پرداختند . (۲)

ولی وجود يك چنین فکر و اندیشه در
دورانهای گذشته ، به وجود مکتبی در
چنین دورانها به نام مادیگری آن هم به
شکل اصول مشخص و پایه‌های فکری
معین ، ارتباطی ندارد ، آنچه سابقه دارد ،
اصل فکر مادیگری و نفی جهان ماوراء
طبیعت است ، و آنچه بعداً در ظرف دوسه

مادیگری به صورت يك فکر و اندیشه ،
سابقه دیرینه‌ای دارد ، و از همان زمان‌های
قدیم ، گروهی به صورت جزم و یقین و
یا به شکل تردید ، به نفی جهان غیب
و ماوراء ماده برخاسته ، و وابستگی این
جهان را ، به مقام برتر ، انکار کرده‌اند
و نام برخی از این افراد در تاریخ ملل
و اقوام و تاریخ فلسفه ، به میان آمده
است . و در قرآن مجید ، به وجود چنین
گروه اشاره‌ای شده است (۱) و در دوران
شکوفائی تمدن اسلامی ، افراد انگشت
شماری به این فکر دامن زده و از وجود

- ۱- و قالو ان هی الاحیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین سوره انعام آیه ۲۹ : آنان گفتند که زندگی همین زندگی دنیوی است و ما هرگز بار دیگر برانگیخته نمی‌شویم
- ۲- درباره مذاکرات رئیس‌مادی‌های وقت این‌ابی العوجاه با پیشوای ششم امام صادق به کتاب «اجتجاج» ج ۲ مراجعه فرمائید.

قرن پیدا شده آنها از اینجا و آنجا ، به صورت التقاطی ، خود مکتب و اصول و قواعد مکتب مادگیری می باشد .

از این جهت با کمال صراحت اعلام می شود ، و تاریخ فلسفه بر این مطلب گواهی می دهد که اندیشه مادگیری از سابقه امتدی برخوردار است ، ولی خود مکتب و اصول مربوط به آن ، بسیار نوها و مولود همین تمدن ماشینی غرب و بی - اطلاعی پایه گذاران آن ، از اصول فلسفه الهی است .

گذشته از این که در برخی بحث ها التقاطی بودن جهان بینی مارکس را در زمینه فلسفه و تاریخ و اقتصاد ، ثابت کردیم ، تاریخ ورود این اصل (اصل تأثیر متقابل پدیده ها) بر فلسفه مارکس ، گواه روشن بر التقاطی بودن مارکسیسم و فقدان اصالت آن است .

ماکسیست ها که تمام اصول و فروع مکتب خود را ، مربوط به مارکس می دانند اعتراف دارند که چنین اصلی در مکتب او ، وجود نداشت و اکتشافات مهم در قرن نوزدهم مایه بارور شدن دیالکتیک ، و الزام این اصل از طرف انگلس بر اصول مارکسیسم گردید این سه اکتشاف عبارتند از :

۱- کشف سلول زنده که مرز میان گیاه

و حیوان را شکست .

۲- تغییر شکل نیرو که ثابت کرد که صدا ، حرارت و نور ، صورتهای مختلفی از یک شیء می باشند .

۳- کشف تکامل حیوانات ، مایه شکوفائی اندیشه همبستگی پدیده گردید (۱) اگر « انگلس » عمر بیشتری می کرد و از اکتشافات مهم قرن بیستم نیز آگاه می شد ، اصول دیگری را که جنبه کلی و جهان شمولی دارند ، و در این دو قرن کشف شده است ، بر جهان بینی مارکس می افزود ، ولی چه می توان کرد ، نه او به چنین کاری توفیق یافت ، و نه پیروان مکتب او چنین شهامت علمی داشتند که از چهارچوب اندیشه های او بیرون آیند ، و اندیشه های مارکس و همکار و همفکر او را ، وحی آسمانی تلقی نکنند ، او خود را از تهمت جمود ، مطلق گرایی و مقدمات اندیشیدن ، کلی و دائمی فکر کردن که به دیگران نثار می کنند ، بیرون بکشند و قدری در فضای باز در محیط آزاد که احتمال بدهند که انسانهایی مانند مارکس و انگلس ممکن است خطا کنند و اشتباه نمایند ، بیندیشند .

این اصل تازگی ندارد

باید به رفیق های مارکسیست یادآور شد ، این اصل بیان اصل تضاد و حرکت

هیچ نوع تازگی ندارد ، اصولاً ، کار مهم علوم در تمام ادوار ، کشف روابط پدیده‌ها است ، و هرچه علوم در طول عمر خود پیشرفت کرده ، دایره این ارتباط وسیع‌تر گشته است ، چیزی که هست ، انسان ابتدائی تأثیر خورشید را در پرورش جانداران و گیاهان لمس می‌کرد ، و پیشرفت علم ، تأثیر جاذبه‌ماه را در جذب و مد دریا و ارتباط تلقیح گیاهان را با حرکت حشرات ، کشف کرد .

چیزی که تاکنون علم آن را کشف نکرده است ، مسأله وسعت این ارتباط است ، هر چند از نظر فلسفه اسلامی ، این ارتباط در مجموع جهان به طور قطعی ثابت شده است ، ولی علوم تجربی که مسائل راز از طریق تجربه تعقیب می‌کند ، هرگز موفق به کشف مقدار وسعت این همبستگی نگردیده است

همبستگی پدیده‌ها نه تنها مورد تأیید حکیمان و فلاسفه اسلام است ، بلکه عارفان روشن ضمیر در قرون گذشته اسلامی ، با دیده دل آنرا حس کرده و احساس خود را در قالب شعر ریخته‌اند و در این مورد عارف بزرگ مقام اسلام ، شیخ محمود شبستری که در سال ۸۱۸ در گذشته است چنین می‌گوید :

جهان چون زلف و خال و خط و ابروست
که هر چیزی به جای خویش نیکوست
اگر يك ذره را برگیری از جای
خلل یابد همه عالم سراپا
همه سرگشته و يك جزو از ایشان
بیرون نهاده پا از حد امکان
تو گوئی دائماً در سیر و حیرانند
که پیوسته میان خلق و لیس‌اند
همه در جنبش و دائم در آرام
نه آغاز یکی پیدا، نه انجام (۷)
صائب می‌گوید :

تار و بود عالم هستی ، بهم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که يك دل شاد کرد
در فلسفه اسلامی بحثی است به نام
« وحدة العالم » آنگاه پس از اثبات چنین
وحدت و پیوستگی در اجزای جهان ، آن
را بر « وحدة الاله العالم » گواه گرفته
و می‌گویند وحدت شخصی جهان ، گواه
بر وحدت مدبر جهان می‌باشد .

فلاسفه اسلامی ، جهان را انسان کبیر
و انسان را ، عالم صغیر ، می‌دانند و
آنان در تشریح این مطلب که جهان ،
انسان کبیر است ، به اندازه‌ای پیشروی
کرده‌اند که مراکز از جهان را مغز و
قلب عالم دانسته و در این مورد ، بیاناتی
دارند . (۱)

۲- به گلشن راز مراجعه فرمائید در دو بیت اخیر به حرکت عمومی جهان ماده نیز ، اشاره شده است .

۱- اسفار ج ۶ ص ۹۴-۹۵

بالتر از همه در قرآن مجید با آیه «قل
لو كان فيهما ائله الا الله لفسدتا
فسبحان الله رب العرش عما يصفون»
(۲) (سوره انبياء آیه ۲۲) بر وحدت
مدبر جهان استدلال شده است و پایه استدلال
همان پیوستگی نظام جهان و ارتباط محکم
اجزاء آن است و پیشوایان بزرگ اسلام
و مفسرانی که در تفاسیر خود، معارف
عقلی و فلسفی خود قرآن را تعقیب می کنند
در تشریح برهان قرآن که در این آیه وارد
شده است، پیوستگی نظام جهان را، پایه
برهان گرفته و به تشریح آن پرداخته اند.

مفسران اسلامی نه تنها، پیوستگی نظام
جهان را، پایه فکری فهم این آیه قرار داده اند
بلکه در تفسیر آیه دیگر (۳) نیز آن را
یک اصل مسلم گرفته و به تشریح آن
پرداخته اند.

یادآوری دو نکته

۱- نکته قابل توجه در کشف این قانون
این است که مارکسیسم این اصل را به
صورت یک قانون فلسفی تلقی کرده و

برداشت او از جهان این است که: جهان
مجموعه‌ای است که هر جزئی از این
مجموعه در دیگر اجزاء، اثر می گذارد،
و از همه اثر می پذیرد و وقتی از اومی پرسیم
که گواه شما بر این قانون فلسفی چیست
فوراً می گوید که کشف مهم در قرن نوزدهم
این اصل را ثابت کرده و با فلان آزمایش
خاص جزئی، پشتوانه این اصل است،
در صورتی که یک چنین قانون فلسفی
کلی، در سراسر جهان ماده، با این دلایل
ثابت نمی شود.

۲- نکته دیگر این که این اصل فلسفی
برگردان ایده نولوژی قبلی و باورهای پیش
ساخته اجتماعی مارکسیسم است که در لباس
فلسفی به فروش می رسد. زیرا این اصل یعنی
اثر گذاری و اثر پذیری هر جزء از یک
مجموعه، توجه گری بسیاری از مسائل مربوط
به جامعه و تاریخ در نزد مارکسیسم است.
از این جهت وی کوشیده است تا برای آن
یک اصل فلسفی پیدا کند.

باید توجه کرد که این اصل می تواند در

۲- اگر در زمین و آسمان خدائی جز خدا بود جهان تباہ می شد، به راسته است خدا
از آنچه آنان توصیف می کنند.

۳- سوره مؤمنون آیه ۱۹ «اینک متن آیه: وما كان معه من اله اذا ذهب كل اله بما خلق
ولملا بعضهم على بعض: هرگز با او باخدای دیگری نیست در این صورت هر خدائی بسوی
مخلوق خود می شتافت و برخی بر برخی برتری می جست.

در تشریح مفاد هر دو آیه و پایه های فکری بر این آیه ها به کتاب شناخت صفات خدا
صفحات ۸۴-۸۵ مراجعه فرمائید

مجموعه بهم پیوسته ای که اجزاء آن بنحوی
بین خود در ارتباطند ، صادق و حاکم باشد
ولی در علت و معلول حقیقی هرگز صادق
نیست ، زیرا هیچ گاه ، معلول نمی تواند
در علت اثر بگذارد ، بلکه پیوسته ، علت
اثر گذار بوده و معلول اثر پذیر خواهد
بود .

کسانی که این اصل را آن قدر کشف می کنند
که حتی علت معلول واقعی را نیز نمی خواهند
در پوشش این اصل در آورند از معنی واقعی
علت (هستی بخش) و معلول (هستی پذیر)
غفلت کرده و چشم به مجموعه هائی دوخته
اند که میان اجزاء آن ، ارتباط میکانیکی یا
ارگانیکی برقرار است .

به عبارت دیگر در واحد صنعتی یا واحد
طبیعی این مسئله کاملاً صحیح است چه بسا
شیمی ای از چیزی اثر پذیرد ، آنگاه در خود
آن شیمی نیز اثر بگذارد ولی در علت واقعی
و معلول حقیقی که در دو درجه از وجود
قرار دارند در عین ارتباط ، هرگز علت از
معلول اثر نپذیرفته و معلول نیز در علت اثر
نخواهد گذارد .

**آیا علت به معلول و معلول به علت
تبدیل می شود ؟**

برخی از نویسندگان مارکسیست در
توجیه این اصل دچار لغزشی شده است که
توجه شمارا به آن جلب می کنیم وی
می نویسد :

در این پیوستگی کلی ، هر پدیده ای در
حالی که معلول علت معینی است در رابطه
ای دیگر ، نقش علتی را بازی می کند موجب
پیدایش معلول جدیدی می شود : مثلاً تبخیر
آب دریاها ورود خانه ها در اثر تابش آفتاب
موجب تشکیل ابر می شود که ابر نیز به
نوبه خود ، علت پیدایش باران و آبیاری
زمین و برآب شدن رودخانه ها می گردد .
تأثیر متقابل اشیاء و پدیده ها ، در این نیز
تظاهر می نماید که علت و معلول جای خود
را عوض می کند ، یعنی علت تبدیل به معلول
و معلول تبدیل به علت می شود (۱)

اشتباه ایشان در همین جمله اخیر است
یعنی علت ، تبدیل به معلول و معلول تبدیل
به علت می شود زیرا هیچ گاه چنین کاری
امکان پذیر نیست و در مورد مثال ، فرد با
کلی مایه اشتباه نویسنده شده است ، زیرا
آبی که مایه تشکیل ابرها گردیده ، غیر آن
آبی است که در سایه باران در رودخانه ها به
جریان افتاده است از آنجا که هر دو فرد زیر
عنوان « آب » قرار دارند ، وی تصور کرده
است که آب رودخانه گاهی علت و گاهی
معلول می گردد .

و به تعبیر روشن تر : در این جا یک شئی در
سر زبان تحت علل و شرائط جوی خود نمائی
می کند ، نخست بصورت آب رودخانه سپس
به صورت توده ابرها ، آنگاه به صورت آب
و در این مورد ، مسأله علت و معلوم مطرح

بقیه در صفحه ۲۸

۱- مبانی فلسفه علمی ص ۳۱

فادسیه اسلام

نه فادسیه صدام و عطفق!

ایران کشور توحید و کانون وحدت
و روحیه قوی ارتش ایران

طرح و گفتگو نباشد و ملت مسلمان بعدی از رشد و تکامل رسیده باشند که جز به اسلام و قرآن و فضیلت به موضوع دیگری نیاندیشند ولی با کمال تاسف از طرف سردمداران حکومت بعث عراق مسئله نژاد و تبار و افتخار بیش از هر مسئله دیگری کلام بود ..

سردمداران حکومت فاشیستی بعث عراق با مغزهای تهی از اسلام بیش از هر مسئله دیگر به مسئله نژاد و قومیت و ملیت تکیه می کنند و بدینوسیله اعلام میدارند که در منطق آنان همانند دوران جاهلیت، ارزش متعالی تر و پراهمیت تر از نژاد و تبار مطرح نیست و از همین دیدگاه است که به مسلمانان ایران تهمت نیاکان و اجداد را می بندند چون از کوزه همان تراود که در

در اندلس نماز جماعت شود بها در فادسیه چون که زخونها وضو کنندا در پشت خط جبهه و بیرامون بیکسار سرنوشت ساز و نبرد خونین و باطل ایران و عراق علاوه بر مسائل حقوقی و نظامی و سیاسی و گذشته از خسارات و تلفات طرفین ، مسائلی نیز مطرح است که از دیدگاه علمی و اجتماعی قابل مطالعه و بررسی و آموزنده است که به چند مورد آن اشاره میگردد ...

۱ - طرح مسئله نژاد

انتظار می رفت و امید آن بود که در قرن ۱۵ هجرت پس از ۱۵ قرن از طلوع اسلام و تابش انوار تعالیم ارزنده آن در بهنه مناطق جنگی هر دو طرف دیگر مسئله نژاد و آباء و اجداد اصلا قابل

او است .

مسئله افتخار به نسب در میان اعراب تاریخ رائج و سرگشت جالبی دارد تازه اگر آنان آباء واجداد درست و حسابی داشتند باز هم عیب نداشت هر آنچه بگویند ولی در تاریخ عرب پدران و نیاکانی راجع به این حضرات پاوه گو به ثبت رسیده است که در برابر تنهایی کرلش کرده اند که گاهی گلها و مواد آن بجای آب از بول وادراز فراهم می گشت و هنگام گرسنگی آنها را میل می کردند ... که نقل اینگونه مطالب دور از ادب و نزاکت قلم اسلامی است تکیه بر نژاد علاوه بر خسارات معنوی و فرهنگی امتحان خود را پس داده است و خود یکی از عوامل بزرگ شکست اعراب در جنگ با اشغالگر قدس نیز بوده است ولی چه می توان کرد باز هنوز که هنوز است باز دست از این پندار موهوم رنداشته اند و نخواهند برداشت چون نخوت و خُرور جاهلیت هنوز از دماغ آنان بیرون نرفته است .

آنروز در جنگ ۱۹۶۷ یکی از روسای جمهوری يك کشور بزرگ اسلامی در نطق افتتاحیه ای که مکرراز رادپوهای کشورهای عربی بخش می گشت این چنین آغاز سخن میکرد ...

« باسم العربية الخالدة ، تحية العروبة لكل عرب حور » به نام نامی نژاد عربیت جاودانی که تحیت هر عرب آزادمنشی است که از خود سر میدهد ..

او بی آنکه نامی از خدا و قرآن و پیامبر و مکتب برده باشد با این شعار جاهلی آغاز سخن می کرد و نتیجه اش آنگونه شد که تمام مسلمانان جهان رانیز سرانکنده و شرمسار و زیر سلطه قرار داد .

مسئله نژاد و افتخار به ملیت و قومیت آنچنان در تار و بود حکومت های عربی ریشه دوانده است که یکی از نویسندگان وابسته به حکومت در کتابی که درباره « قضاای ممالک عربی » نگاشته است عنصر نژاد پرستی زادر برابر اسلام مذهب و مکتب معرفی می کند جایی که می گوید: « عربیت نژادما ناسیو نالیست های عرب اعم از مسیحی و مسلمان ، دین ما است چه آنکه عربیت پیش از اسلام و پیش از مسیحیت بوجود آمده است ... با نویسند عرب دیگری به نام عمر فاخوری در کتابی که درباره چگونگی نهضت عرب تألیف کرده است تنها راه چاره آزادی عرب را جنگ زدن به رشته نژاد پرستی تجویز فرموده است جایی که میگوید: عرب قادر به نهضتی نخواهد بود مگر اینکه عربیت را سرچشمه دیانت خود قرار دهد و به آن ، آنچنان تمسک جوید که مسلمانان به قرآن ، مسیحیان کاتولیک به انجیل و پروتستانت به تعالیم « لوتر » و رانسه به مکتب روسو تمسک جستند ... (۱)

۱- علی ناصرالدین در کتاب قضیه العرب ص ۲۸

با استفاده از این پندار موهومی و تز غلط است که یهودی صهیونیستی مانند مهشل غنلق از زمینها و امکانات موجود بهره جوئی جسته است و اساس تعالیم و رهنمودهای خود را بر پایهها استوار ساخته است و مکتب ناسیونالیستی منهای مذهب خود را رواج داده است بعدی که سمیل و الگوی عملی حزب بعث عراق قرار گرفته است ... در برابر این اباطیل و خرافات و باوه گوییها - جای نهایت خوشوقتی و مباهات است که در تمام اعلامیهها و بیانیههای نیروهای مسلح ایران کوچکترین تفاخر به نسب و تبار وجود نداشته است و از اینرو قطعی است که پیروزی نهایی نصیب رزمندگان قهرمان و مسلمان ایران خواهد بود چون هدف و آرمان آنان متعالی است و پشتوانه جنگ هم هدف و آرمان و ایده مکتبی و مقدس است ...

رزمندگان مسلمان ایران تنها به عنوان کسب قادسیه اسلام و به عنوان دفع تجاوز اشرار و دفاع از میهن اسلامی و خانه و کاشانه خود جنگیدند آری آنان تنها بعنوان حفظ قرآن و مذهب جنگیدند و بر اساس ایمان و قرآن و به پیروی از مکتب محمد (ص) و علی (ع) و حسن (ع) در مکتب آزادی به خضر حسین (ع) و دیگر شهیدان راه اسلام رزمیدند و پیروزی بدست آوردند و لسی بهشهای مادی و ملحد بر اساس مادیت و قومیت در قادسیه صدام و غنلق جنگیدند زهی تباهی و خسران !

جانبازان ایران با توجه به آرمان مکتب متعالی اسلام از وجود بیت و کیان کشور اسلامی و انقلاب عزیز الهی حمایت داشتند نه بر اساس تصرف خاك مدائن و بصره و نینوی با آنکه بر آنان بسیار طبیعی و آسان بود که مسئله خاك و سرزمینهای اشغالی مدائن بصره، ایوان کسری و بغداد را مطرح سازند.

ولی تنها آنچه ارزش متعالی داشت انقلاب و مکتب و آرمان و هدف بود که در آن صورت از دیدگاه آنان زمین و خاك هم تأمین بود دیگر هیچ نه زمین نه تفاخر به موهومات و نه غیره ... چون همگان میدانند که حب الوطن من الايمان و حراست از آب و خاك وطن در سر لوحه برنامههای ایمان و اسلام قرار دارد.

* * *

۲- ایران کشور توحید و گانون

وحدت

در شرائطی که انقلاب امیل اسلامی ایران در حرکت تکاملی خود، بسوی رهائی از بندهای استعمار و استبداد قدرتهای بزرگ غرب و شرق پیش می رفت و ملت قهرمان ایران با دادن هزاران فرد شهید و هزاران معلول و مجروح می خواست سر نوشت زندگی و سیاست کشور خویش را خود تعیین کند دست نشاندهگان و نوکران بی مغز و سر ... قدرتهای بزرگ بالهام از مکتب الهی اشتراك و مادپرگری آلت دست قرار گرفت و خواستند مانع و سد راه انقلاب گردند و

بابهانه‌های هوج و واهی به حریم مقدس
بیشه شیران و جوانمردان تعدی و تجاوز،
روادارند با سلاحهائی که باید به قلب دشمن
مشترك مسلمانان نشان گرفته شود به مرزها
و قلب کشور اسلامی که کانون مشتعل توحید
والگوی وحدت اسلامی است پورش آورند
آن هم در ماهی که مشرکان و مردم جاهلیت
هم حرمت آنرا پاس میداشتند .

آنان با الهام از مکتب مادگیری و
سپهونی میشل غلغ و با استفاده از جو مصنوعی
و محیط کاذبی که فراریان از عدل و قسط
اسلامی در عراق ایجاد کرده تصور نمودند
که ملت رزمنده ایران در ضعف و نارسائی بسر
می برند غافل از اینکه ارتش مسلمان ایران،
پاسداران ، نیروهای مسلح و مردم غیور و
مبارزه الهام از مکتب سرخ علوی با کمال
قدرت و شهامت مبارزه و دفاع خواهد کرد
و همیشه کلام الهام بخش علی (ع) را مدنظر
دارند .
جائی که به سپاه اسلام در برابر سپاه کفر
و نفاق معاویه می فرماید :

«اغزوهم قبل ان یغزوکم» با آنان به
جنگ پردازید پیش از آنکه آنان جنگ آغازند
و از میهن دفاع کنید رزمندگان انقلابی ایران
این غافل گیری و شیبخون و جسارت را
جسارت و تعدی به انقلاب مقدس خود تلقی
میکند و آنرا عزیزتر و گرامی تر از هر عزیز خود
میدانند آنان این جسارت را بی جواب نگذاشتند
و با ایمان و عزم آهنینی از حدود و ثغور میهن
و خانه و کاشانه خود دفاع جانانه نمودند هر

چند بانخن و انگشت و دندان .

ملت مسلمان و انقلابی ایران با یک
حرکت قاطع ضمن تأیید موضع قاطع رهبری
عالیقدر انقلاب در دفاع از مرزهای کشور
آمادگی کامل نشان دادند و به جهانیان اعلام
داشتند دفاع از حریم کشور را دفاع از انقلاب
و اصالت مکتب تلقی می کنند و با تمام ذرات
وجود و هستی خود از آن حمایت می نمایند
و عملیات ثابت کردند که ملت رزمنده و انقلابی
ایران در این بیکار سرنوشت ساز آمادگی هر
نوع فداکاری و ایثار را دارند و همانند سر بازان
صدر اسلام با امکانات محدود خود در برابر
قدرتها و مستمگران و نوکران بی مغز و آلت
دستی مانند صدام و ملوک طواغیتی مانند
ملک حسین ، ملک حسن ، ملک خالد و دیگر
پادشاهان بی تاج و تخت شیخ نشین ها مبارزه
خواهند کرد تا حکومت را مخصوص خدا
کنند و قوانین خدا را به نفع مستضعفان
جهان اجرا نمایند تا روزی که حکومت
مستضعفان به حکومت الهی ولی عصر (عج)
پیوند داده شود ...

۴- روحیه قوی ارتش

نکته ای که در این بیکار سرنوشت ساز
هرگز نمی توان فراموش یا مورد غفلت قرار
داد روح شهامت و شجاعت ، ایمان نوی و
استوار ، اراده آهنین و پایداری و ایستادگی
ارتش و الا در ایران نیروهای مسلح ، عقابهای
هوایی ، شهابهای آسمانی ، رعد و برق و
صاعقه های زمینی بود که جهانیان را در

بهت و حیرت فرورده است، ارتش با کمال وفاداری و اخلاص و ایمان در جبهه های جنگ با دشمنان اسلام می جنگند .
 این امر مردان تاریخ ، باوه گوییهای گروههای به اصطلاح ضد امپریالیست خلقی و فدائی را که در مورد انحلال ارتش در سر می پزوراندند با اخلاص در سلسله مراتب نظامی را پیشنهاد می کردند با هوشیاری و آگاهی امامت و رهبر عظیم- الشان انقلاب جایی که فرمودند :



«ارتش سپاه اسلام است» توطئه آنان خنثی و نقشه شان ، نقش بر آب گردید و معلوم گردید.. رهبر دلسوز انقلاب چنین روزها را پیش خود داشت ولی دیگران منافع و مقاصد روزانه خود را در نظر داشتند .
 درود و سلام بر نیروهای ارتش ، درود بر سپاهیان جان پر کف رحمت بر اهت قهرمان ایران نفرین و لعنت بر دشمنان اسلام پیروژه امپریالیست جهان فخر و صهیولیت جهانی و بین المللی .

بقیه از صفحه ۹

و گرسنگی و نقصان دارائی و نفوس و میوهها می آزمائیم و به افراد با استقامت بشارت بده . مشکلات و دشواریها بسان کوره ای است که به آهن، صلابت و استقامت می بخشد ، انسان نیز در کوره حوادث و مشکلات، پر قدرت و نیرومند میگردد و قادر به شکستن موانع سر راه زندگی و سعادت خود می شود .

وقتی شخصی از امام هشتم از حقیقت آزمایش های الهی سؤال می کند و درخواست می نماید که آیه «احسب الناس ان یترکوا ... را تفسیر نماید و حقیقت گفته را که در این آیه آمده است روشن سازد، امام در پاسخ او می فرماید : «یفتمنون کما یفتنون الذهب یخلصون کما یخلص الذهب» (۱) انسانها بسان طلاها در بوتۀ آزمایش قرار می گیرند و مانند طلا که از دیگر فلزهای مخلوط جدا می شود آنان نیز پاک و پیراسته می شوند .
 ادامه دارد

۱- کالی جداول ص ۳۹۰

علی (ع) فرمود :

الْجِهَادُ، عِزًّا لِلْإِسْلَامِ (نهج البلاغه ص ۸۳۱)

مبارزه وجهاد در راه خدا موجب عزت و سرفرازی اسلام است
 امیر مومنان (ع) فرمود :

بَادِرُوا جِهَادَكُمْ

به مبارزه و جنگ بر دشمنان پیشی گیرید
 (نهج البلاغه ص ۸۳۱)

همه پرسی فرمایشی در مغرب (مراکش)

چرا در ترکیه حکومت نظامی بر سر کار می آید؟

کارشناسان اقتصادی بین المللی می گویند: قدرت خرید مردم مغرب، عموماً کاهش یافته است.

بطوری که از ۱۸ میلیون نفر مردم مغرب ۷ میلیون نفر آن در باین ترین سطح زندگی بسر می برند و چون شور و حماسه ای را که راه پیمائی «سبز» در سال ۱۹۷۵ ایجاد کرده بود، دارد فروکش می کند، لذا اکنون ملک حسن نیاز به بهانه و وسیله ای دارد که در پرتو آن، بتواند احساسات مردم را پیرامون وحدت ملی به هیجان آورد، بنابراین او فکر کرده که برای چاره کار، ملت را به پای صندوق های همه پرسی فراخواند، با توجه به اینکه ملت جز پاسخ: «آری» نمی تواند بدهد!

ناگفته پیداست که نتایج همه پرسی

ملک حسن دوم طی پیامی که از کاخ سلطنتی فرستاده، ملت مغرب (مراکش) راستود و گفت: ملت من «از رشد فکری و احساس مسئولیت» برخوردار است زیرا طی یک همه پرسی به نسبت ۰.۹۹. با قانونی بودن سن ولیمهد که ۱۶ ساله است موافقت کرده اند، قبلاً سن قانونی برای ولیمهد ۱۸ سال بود و می بایست بمدت دو سال به ولیمهدی منصوب شود.

همه پرسی دیگری نیز در مغرب به عمل آمد که بمنظور تمدید مدت نمایندگی مجلس از چهار سال به شش سال بود.

ملت مغرب هنوز هم انگیزه واقعی این دوهمه پرسی را نمی داند ولی به نظر می رسد انگیزه اصلی که همه بحث ها در اطراف آن دور می زند، وضع اقتصادی و اجتماعی این کشور است که در بدترین شرایط قرار دارند.

پشاپیش معلوم و دولت موظف بود که در هر حال آرای موافق مورد نظر را از صندوقها بیرون بیاورد و در این شرائط، پیداست که هر کس رأی موافق داد، از پیشگامان وحدت ملی است و هر کس مخالفت کرد از جرگه «ملت» خارج است.

در جریان همه پرسی، تلویزیون مغرب سماعت کامل به برنامه های خود افزود تا به این وسیله انکار ملت را تخدیر و آماده دادن رأی موافق سازد و به ناصله دوساعت از پایان همه پرسی، نتایج آن اعلام گردید. نتیجه عالی بود: ۹۷٪ مردم شرکت کرده و ۹۹٪ شرکت کنندگان رأی موافق داده بودند!

البته خبرگزاری مغرب دسته گلی به آب داد و ابتداء اعلام کرد که فقط ۷۲٪ مردم در همه پرسی شرکت کرده و تعداد مخالفان

تعداد ناچیز ۰۰۰٫۰۰۰ نفر است ولی سر انجام تعداد مخالفان به تعداد ناچیز ۱۹۰۰۰ نفر تنزل یافت!

واقعیت این است که سخنرانی های اخیر ملک حسن، با وجود آنکه لحن همیشگی در آن بکار رفته بود، شور و احساسات مردم را بر نیانگیخت و اعلی حضرت ملک! در میدان تنها ماند. او، بی به عینی مشکلاتی که ملت با آن روبرو است، نبرده است، ملتی که نسبت به سواد در میان آنان بیش از ۷۰٪ است و آنچه حقیقتاً برای هر یک از آنان بیش از داستانهای کاخ سلطنتی اهمیت دارد این است که مزد هر ساعت کار آنان از ۹۵ فنیکا (واحد پول مغرب) تجاوز نمی کند و نسبت به کاری به میزان ۲۰٪ رسیده است! (مجله الرائد نشریه مرکز اسلامی در آخن شماره ۴۵)

اورن رهبر کودتاچیان میکوشد تا از ملی گرایی بعنوان حربه ای علیه گسترش اسلام انقلابی در میان ملت ترکیه بهره جوید و ملیت را در برابر اسلامیت علم نماید

بر این اساس ابتداء میبایست اوضاع داخلی ترکیه را قبل از کودتا و ضرورت حاکمیت ارتش را بطور اجمال مورد بررسی قرار دهیم تا به تحلیل در مورد اهداف امپریالیسم در ترکیه دست یابیم. ترکیه کشور است که عضویت در پیمان ناتو را بر حفظ منافع امپریالیسم در جهان خصوصاً در منطقه پذیرفته است. وابستگی ترکیه به ناتو هزینه نگهداری یک میلیون سرباز و

سیاستهای امپریالیستی خصوصاً در سالهای اخیر نشان داده است که امریکا از هیچگونه اقدامی جهت حفظ و تأمین منافع خود در کشورهای تحت سلطه، باکی ندارد ولی تنها چیزی که تعجب همگان را در قبال کودتای ترکیه برانگیخته وقوع کودتا در کشور سر تا پا وابسته ایست که جناح های چپ و راست آن هر دو در خط امریکا میباشند..

این کشور را تشکیل میدهند در شهرهای خود، تصویرهایی از امام خمینی را به دیوارها نصب کرده‌اند و به رهبری وی پایبندند . پیوند توده‌شعیه و سنی‌ترك با انقلاب ایران و رهبری قاطعش ، لرزه بر اندام امپریالیسم افکنده است .

قیام‌های مستمر در منطقه

همزمان با عمیق‌تر شدن مبارزات ضد امپریالیستی در ایران شاهد قیام‌ها و حرکت‌های اصیل ملت‌های تحت استعمار امریکای لاتین عربستان - عراق - افغانستان - کشورهای خلیج فارس در منطقه هستیم سیر تاریخی تحولات - جهانی نشانگر این نکته است که رشد توده‌های مستضعف ، سرانجام سلطه مستکبران را به نابودی خواهد کشانید .

این قیام‌های مستمر، امپریالیسم جهانی را به راس و وحشت انداخته است از این رو امریکا که می‌دید دولت نیم‌بند دست راستی دمیرل ، دیگر نمیتواند منافعش را بخوبی حراست نماید جای‌آورا با مهره‌های نظامی و فاشیست ، عوض نمود تا با تقویت فاشیسم در منطقه بتواند به مقابله با جوهر این قیام‌ها برخیزد .

شیوه‌هایی که کودتاگران ترك برای مقابله با انقلاب ایران اتخاذ خواهند کرد ، در مواضعشان بخوبی آشکار است چرا که حکومت نظامی در ترکیه ، چهره ملی بخود گرفته و رهبر کودتای آن در پیام خود از آتاترك تجلیل بعمل آورده و بخش مهمی از

شبه‌نظامی ، گرفتاریهای اقتصادی و اجتماعی را در این کشور به‌مراه داشته است اوضاع بد اقتصادی ، گرانی ، بیکاری و تورم و ناآرامیهای سیاسی در ترکیه از زمینه‌های اصلی حضور هر چه بیشتر امریکائیان است چنانکه سیل وام‌های چند میلیونی از سوی امپریالیسم امریکا و هم‌پیمانان اروپائیش پسوی این کشور سرازیر گشته بود .

درومینه سیاست خارجی ، رابطه با کشور صهیونیستی اسرائیل ، تنها نمونه‌ای از فرمانبرداری رژیم ترکیه از سیاست‌های امپریالیستی است چرا که تداوم رابطه با اسرائیل از سوی کشوری که ۹۹٫۰۰۰ مردم آن مسلمان هستند نشانگر رد پائی از استعمار و استثمار است . قبل از کودتا در این کشور شاهد يك جنبش اسلامی و برهائی تظاهراتی بر ضد رژیم اشغالگر قدس ، اعتراض به غیر مذهبی بودن قانون اساسی و به آتش کشیدن پرچم‌های آمریکا و اسرائیل و شوروی بوده‌ایم .

حزب سلامت ملی قبل از وقوع کودتا

وزیر امور خارجه و استیضاح نمود و همین امر موجب برکناری وی گردید .

این جریان اسلامی ، سیاست خارجی ترکیه را بخاطر علاقمندیش به پیوستن به جامعه اقتصادی اروپا ، امتناع از قطع رابطه با رژیم اشغالگر قدس و عدم حمایت از انقلاب اسلامی ایران ، مورد سرزنش قرار داد .

اقلیت شیعه ترك که ۱۰٫۰۰۰ جمعیت

سخنان خود را به بزرگداشت از پان تر کیسم
 اختصاص داده است اورن رهبر کودتاجیان
 سعی دارد تا چهره خود را بعنوان ناجی ترکیه
 بمردم این کشور بقبولاندا برای این کار
 پس از کودتا از قیر آتارک دیدن میکند تا ترک
 گرائی خود را با ثبات برساند اورن میکوشد
 تا از ملی گرائی بعنوان حربه ای علیه
 گسترش اسلام انقلابی در میان ملت ترکیه
 بهره جوید و ملیت را در برابر اسلامیت علم
 نمایند تا به این ترتیب باردیگر توطئه کثیفی
 را که در درون ایران بملت بار عظیم مکتبی
 انقلابمان باشکست مواجه گشت در ترکیه
 بیازماید .

حکومت نظامی در ترکیه تنها آماده سازی
 بازوی سیاسی نظامی برای تحقق اهداف
 شوم امپریالیسم است. آخرین اخبار از ترکیه
 کودتازده نشانگر آنست که در قلمرو این
 کودتاگران ضدارتجاع، فاشیسم سایه افکنده
 و اولین قدمها تعطیل مجلس و ممنوعیت
 کامل فعالیت گروههای سیاسی وبخصوص
 مسلمانان ، و دستگیری دسته جمعی گروهی
 از رهبران سیاسی قدمهای بهمدیست و علت
 آن اینست که اینها میتوانند تاحدی از
 دیکتاتوری حکومت بکاهند !
 (تلخیص از کیهان شماره ۱۱۰۶۳)

ضایعہٴ سفناک

در تاریخ ۲۱/۷/۵۹ مجله مکتب اسلام یکی از صمیمیترین همکاران خود
 را از دست داد، همه کسانیکه با مجله مکتب اسلام سروکار داشته اند با نام جناب
 آقای محمد حسین احسن آشنا بودند، ایشان علاوه بر اینکه سالیان در آزی منشی
 مخصوص و مورد وثوق مرحوم آیت... العظمی بروجرودی رحمه اله علیه بود و خدمات
 قابل ملاحظه ای بسهم خود، به حوزه علمیه قم نمود. پس از وفات آن مرجع بزرگ،
 سرپرستی دفتر نشر مجله مکتب اسلام را پذیرفت و با پشتکار کم نظیر و نظم و امانت
 وظایف خود را در دفتر این مجله، انجام میداد.
 ما فقدان این مرد ارزنده را به فرزندان و تمام فامیل آن مرحوم و جا معه
 روحانیت تسلیت عرض میکنیم.

کیفرهای نقدی سقط جنین و و نقص اعضا

در بحث کیفرهای نقدی معنای «دیده» و میزان آن در قتل، روشن شد و خاطر- نشان گردید که دیده، در کجا بالا صاله واجب است و در کجا منوط به رضایت طرفین می باشد.

اسلام ارزش خاصی برای انسان قائل شده و حتی مرده انسان مسلمان، احترام ویژه‌ای دارد و توهین به آن علاوه بر اینکه گناه و حرام است، در بسیاری از موارد دیده و جریمه، نیز دارد و مهمتر از آن، حرمت سقط جنین و جریمه‌های سنگینی است که اسلام برای آن قائل شده است و این نشانگر آنست که اسلام برای «جنین» ارزشی برابر با يك انسان کامل قائل است، و از همان آغاز تکون جنین و در آستانه داخل شدن در مراحل انسانی، حکم و مقررات ویژه‌ای، برای آن وضع کرده است که به بررسی دیده سقط و نابودی جنین و سپس بدیده اعضا و جوارح انسانها از دیدگاه فقه و قوانین کیفری اسلام می پردازیم.

کیفر نابودی جنین:

اگر انسان، کاری کند که در اثر آن زن حامله (مسلمان) سقط جنین کند و یا خود زن موجب سقط و کشتن جنین خویش گردد، علاوه بر اینکه گناه بزرگی مرتکب شده است، باید دبه و خوبهای آنها به ورثه جنین بپردازد. و جالب توجه اینکه اگر

خود زن سبب سقط جنین شده باشد باید دیه را به همان ورثه جنین پرداخت ولی با آنکه خودش هم مادر و وارث جنین است ، سهمی از این میراث ندارد .

میزان دیه جنین

میزان دیه سقط جنین بستگی بمراحل تکون جنین دارد و همانگونه که در روایات ما آمده است بشرح زیر میباشد :

- ۱- جنین سقط شده اگر تازه منعقد شده باشد و هنوز نطفه است ، ۲۰ مثقال شرعی طلاست (۱)
- ۲- علقه یعنی جنین از مراحل نطفه‌ای گذشته و تبدیل به خون بسته شده باشد ، ۴۰ مثقال طلا
- ۳- مضغه یعنی جنین بصورت گوشت‌های پاره پاره در آمده باشد : ۶۰ مثقال طلا
- ۴- استخوان بندی جنین نمایان شده باشد : ۸۰ مثقال طلا
- ۵- اگر علاوه بر استخوان بندی ، گوشت نیز بر روی آن ، روئیده باشد : ۱۰۰ مثقال طلا
- ۶- جنین کامل شده‌ایکه علاوه بر استخوان بندی و گوشت ، روح نیز در او دمیده باشد ، دیه کامل لازم است (۲)

کیفرهای نقدی اعضاء و جوارح انسان

برای روشن شدن کیفرهای نقدی اعضاء و جوارح انسان میتوانیم این اعضاء را بر حسب اهمیت و تفاوت در دیه و کیفر به چهار قسمت تقسیم نماییم .

الف : اعضائی که در بدن تک و منحصر بفرده است و مشابهی در بدن ندارد ، همانند بینی ، صلب ، مجاری ادرار و بول و مخاط ، پوست ، موی سر ، و صورت و . . .

ب - اعضائیکه در بدن بصورت زوج و جفت است ، مثل : دستها ، پاها ، چشمها ، گوشها لبها ، ابروها ، پستانها و . . .

ج - اعضائیکه در بدن چهار عدد از آنها وجود دارد ، مثل : پلکها و . . .

د - اعضائیکه در بدن ده عدد از آنها وجود دارد . مثل ، انگشت‌های دست و انگشت‌های پا . . .

در فقه جامع و گسترده و ژرفنگر اسلام ، برای ضربه زدن به هر يك از اعضاء ،

۱- مثقال شرعی معادل ۱۸ نخود طلای خالص می باشد .

۲- این مقدار دیه از مضمون روایاتی که در کتب معتبر فقه وحدیث در باب دیه جنین آمده است ، استفاده شده است . رجوع شود به فروع کافی بروایت مفصلی از امیر مؤمنان (ع) در این زمینه .

بمناسبت اهمیت و منافع و نقشی که در حیات و زندگی با کمال و جمال و حتی حفظ ظاهر آدمی دارد، کيفرهای مناسبی مقرر شده است. تا جایی که برای نابودی برخی از این کمالات و عوامل حیات، مثل: حواس پنجگانه، دبه و کيفر کامل وضع گردیده است یعنی اگر کسی حس بینائی، چشائی (ذائقه)، شنوائی، بویائی (شامه) یا گوپائی انسان را تلف نماید باید ديه‌ای برابر با ديه کامل قتل يك انسان پرداخت نماید و نیز اگر کاری کند که عقل کسی، زایل شود و با فهم و شعور انسانی راسخ نماید و دیوانه‌اش کند، باید ديه کامل بپردازد. زیرا نابودی اینگونه کمالات کمتر از نابودی يك انسان نیست وای بسا انسان فاقد شعور با یکی از حواس پنجگانه بمنزله مرده متحرکی می‌باشد و جانی که این عمل را در حق او روا داشته است گوئی او را کشته است و شارع مقدس برای جبران و تلافی این کار و نیز توجه و تنبیه به ارزش انسانی و جلوگیری از رفتار بی‌رويه انسانها و نیز احماء حس مسئولیت بشر در برابر اعضاء حیاتی انسان چنین جرمه‌ای قائل شده است. و بهمین مناسبت می‌بینیم اگر کسی کاری کند که قدرت تولید مثل و نزدیکی و آمیزش را از انسانی بگیرد، همین مبلغ ديه کامل، را باید پرداخت نماید |

میزان ديه اعضاء

نخست خاطر نشان میشود که بطور کلی آن قسمت از اعضاء بدن انسان که جفت و زوج آفریده شده است خونبها و دبه هردوی آنها در صورت نابودی ديه کامل است و ديه یکی از آنها نصف ديه کامل میباشد. (۳) آنچه که تک آفریده شده در صورت نابودی خود آن بامناف آن، باید ديه کامل بپردازند.

و نیز اگر در مواردی ديه و خونبها در فقه اسلامی معین و مقرر نشده باشند دسترسى به دلائل آن نباشد در تمام آن موارد فقه‌ا ديه ارزش و حکومت، قائل شده‌اند.

یعنی برای جبران خسارت و جنایت با توالی طرفین یا با نظر کارشناس و اهل خبره مابه‌التفاوت و میزان زیان و تساوت قیمت صحیح و معیوب تعیین و پرداخت میگردد |

اکنون میزان ديه سایر اعضاء را بیان می‌کنیم.

۳- جز ابروها و پستانهای مرد. به کتب فقهی شیعیه و نیز به کتاب بدایة المجتهد ج ۲

ص ۳۱۵ مراجعه شود.

دیه چشم

۱ - اگر کسی موجب کوری چشم کسی شود و هردو چشم او را کور سازد باید دیه کامل بپردازد . و اگر يك چشم کسی را کور کند . نصف دیه قتل يك انسان را باید پرداخت نماید .

دیه بینی

۲ - برای قطع بینی انسان و باقطع نرمه بینی دیه کامل واجب است و در موارد دیگر که باعث صدمه بیکی از دو سوراخ بینی و یا خود بینی گردد ، بهمان مناسبت دیه اش فرق می کند .

دیه گوش

اگر باعث قطع گوشهای کسی شود و نیز باعث کری گردد دیه کامل واجب است و با قطع یا کری يك گوش نصف دیه لازم میشود . و اگر نرمه گوشهای کسی را قطع سازد $\frac{1}{3}$ دیه کامل را باید بپردازد .

دیه قطع زبان

اگر زبان انسانی را ببرد یا کسی که می توانست صحیح سخن بگوید موجب سلب تکلم او شود دیه پرداخت دیه کامل محکوم میگردد و اگر موجب سلب سخن گفتن انسان الکن (یعنی کسی زبانش لکنت دارد و می گیرد) شود $\frac{1}{3}$ دیه لازم است . (۳) و نیز اگر طوری صدمه بزند که سخن گو ، نسبت بهريك از حروف بیست و هشت گانه صدمه ببیند ، دیه واجب از يك بیست و هشتم تا بمقداری که صدمه زده است مقرر گردیده است و نسبت بهر اندازه از تکلم حرفی که از او سلب کرده است باید دیه بدهد !!

دیه دندانها

میدانیم که انسان سالم و بطور طبیعی دارای ۲۸ دندان است که دوازده دندان در جلو که شش عدد در فك پائین و شش عدد دیگر در فك بالا قرار دارد و دیه هر يك از این دوازده دندان پنجاه مثقال شرمی طلای خالص است و شانزده عدد دندان در قسمت عقب دهان در طرفین فك بالا و پائین قرار دارند که برای شکستن هر يك از آنها باید ۲۵ مثقال شرمی طلای خالص بپردازد .

دیه قطع لبها

اگر تمام لبهای کسی را ببرد ، باید دیه کامل قتل انسان را بپردازد ولی برای نابودی

۳- تعهر بالوسيله ج ۲ ص ۵۷۳ و ...

هر يك از لبها نصف ديه پرداخت میشود گرچه برای قطع لب پائين ، برخی از مراجع و فقها تا ۶۰۰ دینار یعنی ۶۰۰ مثقال طلا نوشته اند . چون سبب نگهداری غذا و آب می باشد . (۵)

اگر لبها را طوری بشکافند که دندانها پیدا شود $\frac{1}{3}$ ديه کامل واجب میشود .
ديه دستها

اگر هر دو دست کسی را از بند جدا کنند ، تمام ديه قتل ، ولی اگر يك دست را از بند جدا کند ، نصف ديه قتل باید پرداخت شود و اگر دست شل مزدی را قطع کند

$\frac{1}{3}$ ديه واجب است ، اگر ده انگشت کسی را ببرد تمام ديه و برای هر انگشت $\frac{1}{10}$ ديه باید پرداخت نماید .

اگر كمر و پشت کسی را چنان بشکند که دیگر درست نشود ، ديه کامل واجب است (۶)
اگر دو پستان زنی را ببرد (۷) تمام ديه و برای بریدن يك پستان نصف ديه کامل پرداخت میشود .

ديه پاها

اگر هر دو پای کسی را تا مفصل یا همه ده انگشت پا را ببرند و قطع کنند ، ديه کامل واجب است و برای يك پا ، نصف ديه و برای هر يك انگشت پا $\frac{1}{10}$ ديه باید پرداخت شود .

ديه مو و پوست

اگر کسی سبب نابودی موی سر انسانی گردد ، خواه مرد یا زن ، کوچک یا بزرگ و ... ، باید ديه کامل پرداخت کند . و نیز اگر کاری کند که موی ریش کسی ریخته شود و دیگر نرود ، باید ديه کامل پرداخت نماید ، « قَضَى امير المؤمنين (ع) فِي اللِّحْيَةِ إِذَا حَلَقَتْ فَلَمْ تُنْبِتْ ، الدِّيَةُ كَامِلَةٌ إِذَا بَنَّتْ فَنُتِلَتْ الدِّيَةُ . »

اگر موی ابروی کسی را نابود سازند و طبق روایتی که در کافی از امیر مومنان نقل

۵- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۷۴ ولی بدایة المجتهد ج ۲ ص ۳۱۵ دو سوم ديه را واجب دانسته است .

۶- عن ابی عبد الله (ع) قَالَ فِي الْيَدَيْنِ الدِّيَةُ وَفِي الْيَدَيْنِ جَمِيعًا الدِّيَةُ وَفِي الرَّجْلَيْنِ كَذَلِكَ وَفِي الذِّكْرِ إِذَا قَطَعْتَ الْعُشْفَةَ وَمَا تَوْقَى ، الدِّيَةُ وَفِي الْأَنْفِ إِذَا قَطَعْتَ الْمَارَانَ الدِّيَةُ وَفِي الْعَيْنَيْنِ ، الدِّيَةُ وَفِي أَحَدَيْهِمَا نِصْفُ الدِّيَةِ . فروع کافی ج ۷ کتاب ديات و قال ايضاً « ... اصابع اليدين والرجلين ، سواء في الدية »

۷- عن الباقر (ع) « مِنْ رَجُلٍ قَطَعَ يَدَ رَجُلٍ سَلَامًا قَالَ عَلَيْهِ ثَلَاثُ الدِّيَةِ »

شده است باید نصف ديه يك چشم يعنى ۲۵۰ مثقال شرعى طلا بدهد...

اگر تمام پوست بدن كسى را بكنند هر چند امكان زنده ماندنش كم است ، ولى بايد ديه كامل پرداخت شود .

و نيز اگر كارى كند كه موجب كنده شدن پوست بدن با سبب ابتلاء به بيمارى برص و يا باعث سپاه شدن تمام بدن گردد ، بايد ديه كامل بدهد . ولى برخى از علماء در اينگونه موارد قائل به «ارش و حكومت» شده اند . (۸)

ديه شكستن هر عضو و يا استخوانى طبق نظريه اكثر فقهاء يك پنجم آن عضو است . مثلاً شكستن استخوان دست يا ساق پا ... صد مثقال شرعى طلاى خالص است ولى اگر طورى شكسته شود كه عضو معطل بماند و قابل علاج نباشد دوسوم ديه آن پرداخت مى شود .

در باره دنده ها ، برخى از علماء به ارش و حكومت قائل شده اند ولى براى هر ضلع از دنده هاى سينه بيست و پنج مثقال نيز مقرر داشته اند .

امام صادق (ع) در باره ديه سيلى زدن فرمود ، كه اگر جاى سيلى ، سپاه شود ، شش مثقال و اگر كبود گردد ، سه مثقال و اگر نقطه سرخ شود يك مثقال و نيم طلا بايد ديه بدهد . *وَقَضَىٰ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي اللَّطْمَةِ يَسُودُ أَثَرُهَا فِي الْوَجْهِ ، أَنَّ أَرْشَهَا سِتَّةٌ دَنَائِيرَ . فَإِنْ لَمْ تَسُودْ وَاعْتَبَرَتْ فَإِنَّ أَرْشَهَا ثَلَاثَةٌ دَنَائِيرَ فَإِنْ أَحْمَرَتْ وَلَمْ تَغْضَبْ ، فَإِنَّ أَرْشَهَا دِينَارٌ وَ نِصْفٌ .* (۹)

ادامه دارد

(۸) التشریح الجنائی ج ۲ ص ۲۶۶ - ۲۶۵ و بدایة المجتهد

(۹) فروع كافی ج ۷ كتاب دیات

بقیه از صفحه ۱۲

به تنزل می نماید ، در صورتی كه خودشان اقدام به اینكار نكنند حكومت اسلامى با در نظر گرفتن مصالح همه ، اقدام به تعیین نرخ می كند .
در مورد غرمواد غذائى اگر نیاز شدید و مبرمى به جنس احتكار شده بوده باشد ادامه احتكار سبب اختلال نظام جامعه اسلامى گردد ، حكومت اسلامى مى تواند همانند مواد غذائى با آن عمل كند .

بسیارى از فعاليتهاى اقتصادى فوق در تمام مكتهبهاى اقتصادى شرق و غرب مجاز است و هیچگونه تحریمى ندارد ، و آن قسمتى را كه ممنوع مى دانند در بسیاری از موارد جدی نیست ولى در اسلام همه اینها ممنوع و حرام مى باشد .
در كتب فقهى ما هر يك از موارد دوازده گانه فوق بحثهاى جالب و مشروحى دارد ، كه در این بحث نشرده جاى آن نیست .

سراخجام و سرنوشت مستضعفان!

در نبود مستکبر و مستضعف، که همان نبود حق و باطل،
شُرک و توحید، عدل و ظلم است، پیروزی با مستضعفان است

و مشرکانه طبقاتی پدید نمی‌آید و بشریت
امروز نیز، مسانند بشریت ابتدائی، در
همان مرحله «امت واحده (۱)» بسر-

این مطلب واضح است که اگر در بشر،
انحصار طلبی، جاه طلبی، توسعه طلبی
و افزون طلبی نبود، هیچوقت نظام ظالمانه

۱ - اشاره به گفتاری از قرآن: کان الناس امة واحدة (بقره ۲۱۳)
و نیز: و ما کان الناس الا امة واحدة لاختلفوا (یونس ۱۹)

مطابق دو آیه فوق، دورانی بر بشر گذشته که گرفتار تضاد و اختلاف نبوده است.
این عدم تضاد و اختلاف بعلت این بود که هنوز مودم به خدمات متقابل یکدیگر - بواسطه
عدم رشد قوه تفکر و سازندگی - نیاز نداشتند و بنا بر این در میان آنها «استخدام»
نبود و بهمین جهت «استثمار» هم نبود. تفصیل این بحث در کتاب جهان بینی اسلامی
بهمین قلم.

میرد، منتهی «امت واحده» ابتدائی، بخاطر عدم رشد، نه‌استخدام داشت و نه استثمار. اما «امت واحده» کنونی بخاطر رشد علمی و صنعتی، استخدام دارد، ولی استثمار دارد.

یکی از هدف‌های مهم همه قیام‌ها، مبارزه‌ها، حماسه‌ها، شهادت‌ها و بالاخره بعثت و دعوت پیامبران، غیر از این نیست که اختلاف طبقاتی ریشه کن شود و بشریت بتواند ضمن ترقی و پیشرفت در همه ابعاد تکنیک و صنعت و کشاورزی و استفاده کامل از همه نیروهای انسانی، در حد اعلای «وحدت» بسر برد و گرفتار نظام «دیوان سالاری» و «استعمار» و «استثمار» و «استبداد» و «پوروکراسی» و «الیگارشی» و «فاشیسم» و «آنارشیزم» و هر چه از آثار و لوازم شوم «استکبار» و «استضعاف» است، نباشد. البته، فرستادگان خدا و آورندگان «کتاب آسمانی» رسیدن به چنین «وحدتی» را تنها از راه پناه آوردن به «مکتب توحید» ممکن می‌دانند. لکن رهبران و سران دیگر نهضت‌ها و جنبش‌ها اعتماد و اعتقادشان به مکتب‌های دیگر است. تجربه و گذشت زمان، اثبات می‌کند که حق با آنهاست نه اینها!

انگیزهای استکبار

اگر حرص و آزمندی نبود، اگر هر کس به حق خود قانع بود، اگر هیچکس از حد و مرز خویش تجاوز نمی‌کرد، دنیای ما به گونه‌ای نبود که یکی از روزنامه‌ها درباره آن چنین بنویسد: «هر سال ۴۰ میلیون انسان از گرسنگی می‌میرند تا آمریکائی مرفه بتواند هفت برابر انسانهای دیگر کالا و خدمت، مصرف نمایند! (۲)

آری اینهاست علل و عوامل اینکه، عده‌ای زورمند از امکانات و قدرت خود سوء استفاده میکنند و از راه «زور» و «زر» و «تزویر» گروه انبوهی از مردم را به دام «استضعاف» گرفتار و باظلمها و تبعیض‌ها و حق‌کشیها روی تاریخ راسپاه میکنند.

تزویر و نیرنگ مستکبران در راه به زنجیر کشیدن آنها که از آگاهی و قدرت، محرومند، تنها یک رشته نیست و یک راه ندارد بلکه رشته‌ها و راهها دارد. اولین کوشش آنها از راه تحقیق است و چون معلوم است همه مردم تحقیق پذیر نیستند، باید فشار و تهدید و شکنجه و معاصره اقتصادی و زد و بندها و قتل

و کشتار و زندان و تبعید هم باشد. فرمول کار مستکبران، همین است!

طرز کار مستکبران

اگر نظری به طرز کار استکبار در مملکت خودمان، در دوران قبل از پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب بیفکنیم بخوبی بی میبریم که مستکبران چگونه از هر دو وسیله فوق استفاده کرده و میکنند. آنها از یکسومی کوشند و می کوشیدند - که افکار توده مردم را به مسیرهایی سوق بدهند که به جای پرداختن به ریشه‌ها و علل اصلی بدبختی‌ها به امور فرعی و زاید بپردازند و از سوی دیگر از طریق اعمال زور و فشار و ارعاب، مبارزه را در یک حد بسیار پائین و معمولی متوقف سازند؛ اکنون شایعه پراکنی‌ها بسیار است.

در راه تشدید اختلاف فرقه‌ای و گروهی و حزبی، حداکثر کوشش میشود. ذهن جوانان پاکدل و ساده دل، کاملاً در مسیر انحراف است.

جوانی که تا دیروز در راه پیروزی انقلاب، سر و جان را ارزشی نمیداد، امروز به مسیرهای دیگری کشانده یا سوق داده شده است. از یکسو گرفتار نارسایی‌هایی هستیم. نارسایی‌هایی که با زائیده نظام طاغوتی است، یا معلول کم‌کاریها و بی‌کاریها و کار شکنیها! از سوی دیگر تبلیغات ضد و نقیض و سمپاشیهای گوناگون!

یکی «شورا» را آنقدر «شور!» میکنند که می‌گویند: حتی برای خوردن با دست راست یا چپ هم باید مشورت کرد و همه چیزها و همه کارها از پائین به بالا، باید «شورائی» باشد!

دیگری آنقدر «شورا» را «بی نمک!» میکنند که می‌گوید: داشتن «پارلمان» یعنی «پارلمان‌تاریسم» یعنی «رفورمیسم» یعنی وصله و پینه کردن یک نظام پوسیده و وارفته! در حالی که منظور از «شورا» این است که در کارها و برنامه‌های اجتماعی و قوانین جمهوری اسلامی از طریق مشاوره با نمایندگان برگزیده ملت، آن چنان پیش برویم که دیگر مجالی برای پیدایش و رشد استکبار پیدان نشود و یکبار دیگر مردم مسلمان و محروم ایران به زنجیر استضعاف کشانده نشوند.

موفقیت در این راه مشروط است به حسن نیت و خیر خواهی و آگاهی همه مسئولین امور و بیداری انسانهای مستضعف! مسلم است که حرفهای ضد و نقیض، به ضمیمه تهدیدها و ارعابها، در روحیه مردم مستضعف اثر می‌گذارد و احياناً «آنها را به بی‌تفاوتی و بی‌اعتنائی سوق میدهد و اگر - هر چه زودتر - از تاثیر انقلاب، در تأمین کار و مسکن و تعدیل درآمدها و ثروتها و رفع نیازها مطابق معیارهای اسلامی اثری مشاهده نکنند، گرفتار باس و نومیدی میشوند و همانوقت،

اول فاجعه است |

ضد انقلاب از «شیخ مخوف لائوسم»
از «آخوندیسیم» از «فاشیسم مذهبی»
از «کودتا» و... سخن می گوید .
انقلاب ، از نو سازی ، تأمین آزادی
احزاب و مطبوعات ، پاکسازی در دستگاههای
دولتی احیاء کشاورزی ، رفع بیکاری ،
تأمین بهداشت و آموزش و پرورش برای
همگان و... سخن میگوید .
اولی پیروزی مستکبران است و دومی
غلبه و فتح مستضعفان |

مدد های غیبی

وظیفه همه ماست که ثابت کنیم راه
انقلاب ، راه زدودن همه « ایسم » های
موحش و انحصار طلبانه است . راهی
است که خلق مستضعف را به همه ایده های
انسانی و الهی نزدیک میسازد .
حدود یکسال پیش یکی از نشریات
نوشت: «دیگ حوادث در کشور ما سخت
می جوشد و هنوز بسی چیزها در این دیگ
خام و ناپخته است و لذا هنوز حوادث
بسیاری در پیش است ولی حزب ما ، با
وجود نگرانیهای جدی که از فعالیت ضد
انقلاب ، در جامه های «چپ» و «راست»
دارد و با آنکه به خطرات گوناگون از سمت
راست و از چپ بیدایش اعوجاجها ، به پیش

آمدن دورانهای غیر مترقب منفی ، ابد آکم
بهانمیدهد ، در مجموع ، باخوش بینی به آینده
انقلاب مینگرد (۱)

اکنون با گذشتن حدود یکسال ، خیلی
از چیزها در دیگ حوادث کشور ما پخته
شده و کم و بیش از فاز تخریب و انتقال
گذشته و به فاز «نوسازی» رسیده ایم .
اکنون همه اعوجاجها ، برای مردم شناخته
شده ، نه به چپ امید دارند نه به راست
بلکه امید همه به خداست ، به مکتبی که
زیر بنا و عامل ذهنی وایدئولوژیک قیام
آنها بوده است .

مردم مستضعف و مسلمان مملکت ما
هرچه توان و نیرو داشته اند در راه پیروزی
این انقلاب به کار انداخته و معتقدند که
بنا به ضرب المثل معروف: «از ما حرکت ،
از خدا برکت !» باید از عالم غیب و از
آسمان ، مددی برسد تا خون شهیدان
بایمال نشود و مسیر تاریخ در جهت منافع
مستکبران نباشد و و قیامها و جنبش های آزادی
خواهانه ، کاخ بیدادگران را درهم بکوبد
و حقوق از دست رفته گرسنگان و زحمتکشان
تأمین گردد و انتقام مظلومان از ظالمان
گرفته شود و دود آه ستندیدگان ، نصای
زندگی منحوس ستمگران را تیره و تار
گرداند .

ما - بر حسب مبانی قرآنی - بر همه

لین خواسته‌ها و معتقدات، صحه می‌گذاریم و آینده انقلاب را همچون گذشته آن، روشن و امیدوار کننده می‌نگریم. لکن برای اینکه این امیدها به یأس مبدل نشود و برای اینکه یکبار دیگر فاجعه تکرار نگردد، می‌خواهیم در این زمینه، يك شناخت قرآنی بدست بدهیم و نقطه‌های ضعف خود را با الهام از قرآن بر طرف کنیم تا شایستگی آن مدد غیبی و آسمانی را داشته باشیم.

شرایط و اسباب پیروزی مستضعفان

همانطوریکه در نوشتارهای پیش‌اشاره کرده‌ایم قرآن کریم پس از اشاره به داستان استکبار و استضعاف فرعون و پیریشان حالی بنی اسرائیل، بزرگترین روزنه امید را بر روی مستضعفان گشوده، چنین می‌گوید:

و نريد ان نمن على الذين استضعفوا
 في الارض و نجعلهم
 الوارثين (قصص ۵)

اینجا دیگر نیازی به ترجمه این آیه نداریم. فقط توجه خواننده را باین نکته جلب می‌کنیم که هر چهار فعل: «نريد» و «نمن» و «نجعل» که دوبار تکرار شده بصورت «متکلم مع الغیر» (یا اول شخص جمع) بکار رفته است.

هرگاه خداوند کاری را به ضمیر اول شخص جمع «استاد دهد و بگوید: ما چنین کردیم یا چنان می‌کنیم، معلوم می‌شود افعال و واسطه‌هایی میان خداوند و آن کار وجود دارد.

در اینگونه موارد، اگر چه خداوند فاعل حقیقی است، ولی واسطه‌هایی در میان است که معلوم می‌شود سنت خداوند بر این است که آن کار، از طریق همان واسطه‌ها بانجام برسد. (۱)

البته ممکن است در همین گونه موارد هم ضمیر «اول شخص مفرد» به کار برود مانند:

وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون
 (ذاریات ۵۶)

نیا فریدم جن و انس را جز برای اینکه پرستش کنند.

در اینجا فعل «خلقت» را به صورت «متکلم واحده» (یا اول شخص مفرد) به کار برده و حال آنکه در بیشتر جاهای دیگر بصورت «متکلم مع الغیر» استعمال کرده است. علت این است که از یکطرف فاعل حقیقی خود اوست و از طرف دیگر چون به دنبال آن مساله «پرستش» مطرح است «پرستش» مخصوص ذات بی‌همتای

۱ - گاهی هم آوردن ضمیر اول شخص جمع صرفاً به منظور تعظیم و تکریم است. مثل: وما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان ... (انفال ۲۱) که در اینجا ضمیر «عبدنا» برای تعظیم و تکریم است.

اوست، از استعمال ضمیر «اول شخص جمع» خودداری کرده است. چنانکه در جای دیگر می گوید:

انسی انا الله لانه الا انا فاعبديني
و اقم الصلوة لذكري (طه ۱۳)

نظر باینکه در این آیه، صحبت از نیایش و ذکر است، پنج بار ضمیر اول شخص بصورت مفرد به کار برده، می گوید: «من» «منم» «خدا» «جز «من» خدایی نیست «مرا» نیایش کن و نماز را برای یاد «من» به پای دار .

بنابر این هنگامی که در آیه مورد بحث (سوره قصص آیه ۵) می گوید:

«اراده ما این است که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنها را امام گردانیم و آنها را وارث کنیم» مقصود این است که این کار، مستقیماً و بلاواسطه، از خداوند سر نمی زند بلکه اوزمینها و اسباب

و شرایطی فراهم میکند که از طریق آنها مستضعفان زمین به رهائی و آزادی و پیروزی برسند .

حال ببینیم این زمینها و اسباب و شرایط را چگونه فراهم میکند ؟

بنظر ما و مطابق تفسیری که در قرآن انجام داده ایم، این کار در پنج مرحله انجام میپذیرد: (لازم نیست این پنج مرحله طولی باشد)

۱- فراهم کردن زمینه آگاهی مستضعفان.

۲- فراهم کردن زمینه پیروزی مستضعفان.

۳- بسیج کردن و هماهنگ کردن نیرو- های پراکنده .

۴- تشریح قوانین در جهت تأمین حقوق مستضعفان .

۵- تداوم بخشیدن به کلیه زمینه های ضد استکبار .

از: محمد علی - ضمیر

طلوع خورشید حق

عالمی را به تماشا، سر بازار کشید
مهر از نور رخس سایه بدیوار کشید
خط بطلان بهمه گفته و بندار کشید
اندر این راه بسی جور زاغیوار کشید
آنکه پا بر سر نه گنبد دوار کشید
چونکه اندر دل خود نقش رخ یار کشید
برده ای از عظمت، بر همه آثار کشید



شمس حق جلوه چو بر مشرق انوار کشید
برده از رخ چو گرفت آن خور عالم افروز
گشته روشنگر هستی و در آن ظلمت دهر
شام تاریک دلان شد بندهایش روشن
عقل کل، مرد خرد، راهبر عالمیان
اوست محبوب حق و مظهر اسماعلای
کعبه از حرمت آن قافله سالار اسم

پرونده نیت و هدف، قبل از همه
پرونده ها مورد بررسی قرار
می گیرد

* * *

معروف است شخصی از بزرگان زهاد
مقید بود، «طبق دستور اسلام» نماز اول
وقت و جماعت را درنگ نماید و همیشه در صف
اول جماعت می ایستاد، تا روزی قدری
دیر رسید و در صف اول، جایی باقی نمانده
بود، نگاهی به صف دوم و سوم افکند جایی
نبود تا بالاخره در صفهای عقب تر جایی
یافت ولی احساس می کرد که: دلش می خواهد
در صف اول باشد و مثلاً صف چهارم را با
مقامش مناسب نمیداند!

پس از نماز او را افسرده دیدند، از وی
پرسیدند که: چه پیش آمده است؟

پاسخ داد: باید تمام نمازهای سی ساله ام
را اعاده کنم زیرا متوجه شده ام که در این
مدت، نمازهایم بی ارزش و در قلب من خواسته
ای غیر از اجرای امر خدا بوده و با خود پرستی
و خودخواهی آمیخته شده است!!

در مکتب اسلام سعی شده است تا انسانها
به گونه ای پرورش یابند و تزکیه شوند که
بوسیله نیروی تقوی و خود نگهداری و
اخلاص در عمل، سراپا، پاک و خلوص
باشند و ذاتاً عمل نیک و خدمتگزاری برایشان
لذت بخش بوده قلباً آرزوشتیها و بلیدیهامتنفر
گردند، که در این صورت نه تنها عمل ناپسند

عمل

برای خدا

یا برای

حسرت

یا...؟!!

را انجام نمیدهند، بلکه خود را چنین می‌پایند که: گویا توانائی انجام کار بدر اندارند، و به انجام کارهای نیک، راه و آسایش مردم و خدمتگزاری، عشق می‌ورزند.

و همچنین اسلام با دادن بهت آلهی به تفکر و اندیشه انسان و لزوم اخلاص نیت ضمیر و باطن وی را از غیر خدا پاک کرده حتی فکر و اندیشه آلودگی و بدی را هم از ذهنش میزداید به همین جهت رسول اکرم (ص) فرموده اند: **نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ** (۱) «نیت مؤمن از عملش بهتر است» چون این نیت است که برمی انگیزد و انسان را به عمل وامیدارد و نره وده است: **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَيُكَلِّمُكُمْ أَمْرُءٌ مَا تَوَى فَلَا يُدَلِّعِبِدُ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ** (۲)

«بی شک، عملها، به نیتها بستگی دارد و به هر کس، آنچه را که در درون خویش نیت کرده است، میرسد، پس لازم است بر هر انسانی که نیت خویش را در تمام حرکتها و سکونها، خالص و پاک گرداند تا عمل او نیز خالص و پاک و ارزشمند گردد». امام صادق «ع» در پیرامون این آیه: **.. يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ**

(۱) سفینه «نوی»

(۲) مدرک قبل

(۳) سوره شوری ۸۹

(۴) کافی باب اخلاص حدیث ۵

آتَىٰ اللَّهُ قَلْبَ سَلِيمٍ (۳)

«روزی که نهمال و نه فرزندان، نفعی نمی‌رسانند. مگر کسی که با قلبی سلیم، خدا را ملاقات نماید» فرموده است قلب سلیم مربوط به کسی است که خدا را در حالی ملاقات می‌کند که قلبش جایگاه آلهی و غیر خدا در دلش راه نداشته باشد» (۴)

علی (ع) فرمودند: سعادت مند کسی است که عبادتها، نیایشها و اعمال خویش را خالص و پاک تنها برای خدا انجام دهد و آنچه را که می‌بیند قلب او را از خدا باز ندارد و آنچه را که می‌شنود وی را از یاد خدا غافل نسازد و از آنچه که در اختیار دیگران می‌بیند اندوهگین نگردد. (۵)

و بالاخره برای اینکه تمام اعمال انسان عمل صالح باشد و از منبع پاک و خالص سرچشمه بگیرد، به تزکیه درون و خلوص نیت پرداخته و اخلاص در عمل راه شرط صالح بودن و پذیرفتن الله دانسته است و اعمالی را که برای غیر خدا انجام گیرد عمل صالح نمیداند، و همچنان که در بخش قبل نیز یاد آور شدیم: عمل ربائی را نه تنها عمل صالح نمیداند و آن را نمی‌پذیرد بلکه آن را موجب شرک میداند.

امام صادق (ع) فرمودند ... **إِيَّاكَ وَ التَّوْبَةَ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ كَلَّمَ اللَّهَ إِلَىٰ مَنْ عَمِلَ لَهُ** (۶) ...

از ربا دوری گزینید که اگر انسان عملی

(۵) قال علی (ع) ! طوبى لمن اخلص لله العبادة والدعاء ولم يشغل قلبه بما تولى عيانه ولم ينس ذكر الله بما سمع اذناه ولم يحزن صدره بما اعطى غيره کافی باب الاخلاص روایت ۳
(۶) کافی باب الربا روایت ۱

را برای غیر خدا انجام دهد ، خدای متعال
وی را به او وامیگذارد» نظر عنایت خویش
را از وی بر میدارد .

وباز فرمود : **اجعلوا امرکم لهذا
یله ولا تجعلوه للناس** (۱) - کارها و
امور خود را تنها برای الله قرار دهید ! نه
برای «ناس» مردم ، وباز فرمود : **کل ربیاء
شک انه من عمل للناس کان ثوابه علی
الناس ومن عمل لله کان ثوابه علی
الله** (۲) در حقیقت هر عملی که برای «ناس»
مردم انجام گیرد پاداش آن نیز بر مردم است
و هر عملی که برای الله انجام گیرد پاداش آن
هم با خداست .

* * *

در پیش توحیدی اسلام ، انسان باید به
بهر مرحله ای از کمال برسد که تمام حرکات و
سکناتش برای خدا باشد و در هیچ عملی بر
خدا شریک نیاورد و برای اینکه اقی دهدش
نامحدود بوده و پرتو خدمتش همه جهان را
فرا گیرد و لطف و رحمت و عنایتش جهانی
باشد ، دستور میدهد ، که مسلمان دید و بینش
خود را به خدای لایتنهای ببیوندد و خدا -
گونه بیاندهد و برای وصول به کمال
مطلق و «تقرب الی الله» ، در همه کارها
و اعمال ، قصد قربت و خلوص نیت داشته
باشد .

رسول اکرم (ص) در خطابه ای که قبل از
ماه رمضان برای مسلمانان ایراد می فرماید

(۱) مدرک قبل ۲

(۲) مدرک قبل ۳

امر می کند که : **وَأَسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ
صَادِقَةٍ** . از درگاه خدای پروردگارتان ،
مسئلت کنید تا بتوانید نیت های صادق و پاک
داشته باشید .

وامام علی (ع) یکی از فلسفه های روزه
را این میداند که این عبادت ، تمرین عمل
خالص است و خلوص نیت یکی از آثار این
عمل میباشد که : **وَالصِّيَامُ ابْتِغَاءً لِإِخْلَاصِ
الْخَلْقِ** ، و در هر صورت آیات و
روایات اسلامی کاملاً این پیش را به ما میدهند
که : عمل باید «بیته» ، «لیوجه الله» ، «فی سبیل
الله» و «لیرضات الله» باشد که در این صورت ،
انسان برای خود نمائی ، خود خواهی ،
ریاست طلبی ، منت گزاری سودجویی .
عملی را انجام نمیدهد و تفکر و اندیشه اش
و الاتراز این مقاصد است و در عین حال ،
لحظه ای هم آرام نمی نشیند و شانه از زیر
بار مسئولیتها تهی نمیکند و عاشقانه بدون
خستگی و بی میلی میکوشد و مجاهده
مینماید .

رسول اکرم (ص) در مورد توکل فرمودند
**الْعَلْمُ بَانَ الْمَخْلُوقِ لَا يَصْرَ وَلَا يَنْفَعُ
وَلَا يَعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ النَّاسِ
مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ ، لَمْ
يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي
أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ
لَمْ يَرْجُ سِوَى اللَّهِ** (۱)

«باید انسان بدانند که : مخلوق نمیتواند
نفع و ضرری داشته باشد و نمیتواند چیزی
را اعطاء نماید و با انسان راز چیزی باز
دارد و باید از خلق مایوس گردد ، هرگاه

انسان به این درجه از کمال رسید، آنگاه هیچ عملی را انجام نمیدهد مگر برای خدا و به هیچکس جز خدا طمع ندارد، و از هیچکس جز از او نمی‌ترسد و امیددی به جز خدا ندارد ...»

* * *

آری کسی که به این مرحله از کمال نائل گشت، تمام حرکات و اعمالش فقط برای خدا میشود و او است که با این نیت و بینش، میتواند خادم خلق باشد و با بینش الهی به مخلوق بنگرد و همیشه در حال فیض و لطف باشد و افرادی که با این شرایط و بینش نباشند نمی‌توانند، در واقع برای «خلق» کاری بکنند، شعارهای: کار، مسکن، نان، بهداشت، غذا و... برای مردم، از طرف کسانی که بینش الهی ندارند، الفاظی بیش نیست و کسانی که به عنوان تفکر اسلامی از «ناس» و «خلق» دم می‌زنند و تظاهر به این می‌کنند که مدافع خلقها و مردم هستند، غالباً با ساده اندیشانی بی‌خبر از مبانی اسلامی هستند و با افرادی متظاهر، فریکار و ریاکار می‌باشند، زیرا چنانچه عمل برای «ناس»، «خلق»: «فی سبیل الناس» انجام گرفت معمولاً استعمارگران و استثمارچیان از این «ناس» استفاده خواهند کرد و ابر قدرتها مشمول آن خواهند شد همچنانکه تاکنون هر چه دم از حقوق مردم و خلقها زده‌اند، تنها حقوق ابر قدرتها و استثمارگران حفظ

(۱) سفینه البحار «عمل»

(۲) سوره مائده ۳۹

شده و ناس و خلق محروم همیشه در استثمار مانده‌اند.

مانند اصطلاحات، «بشر دوستانه ا» رئیس جمهور آمریکا که در عین خیانت کاری و با مال نمودن حقوق بشر، میگوید: کار مادر ایران، یک عمل بشر دوستانه بود! و بالاخره اگر عمل محدود به جنبه خلق و «ناس» شد، مشمول همان فرموده قرآن میشود: **إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ** (۲) «که در حقیقت، بسیاری از مردم فاسقند».

و اگر عمل «فی سبیل الله» شد قطعاً «فی سبیل الناس» نیز خواهد بود ولی به شرطی که فقط فی سبیل الله باشد، نه فی سبیل الله و سبیل الخلق یا سبیل الناس، که در این صورت همان شرک است و هرگز در متون اسلامی چنین تعبیرهایی وجود ندارد و باینش توحیدی سازگار نیست امام صادق «ع» فرمود: **لَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ** برای «ناس» قرار ندهید، و پیامبر «ص» فرمود: **وَاسْتَعْمَالُ النَّاسِ مِنَ الْخَلْقِ** باید از خلق مایوس شد، فقط و فقط، «الله» در نظر باشد، که آنگاه همه چیز هست.

در کتب احادیث، بانی هست که نفسهای بزرگ اسلامی و محدثین، در این زمینه تحقیق کرده‌اند که اگر وظایف دینی را برای تحصیل ثواب یا نجات از کفر و عقاب انجام دهیم صحیح است یا باطل؟! که عده‌ای از علماء، معتقد بر بطلان عمل

استکبار و تقوی!

چرا نفی استکبار نخستین مرحله تقوا است؟

ما این سرای آخرت (بهشت ابدی) را برای آنانکه در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص میگردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است « چنانکه خوانندگان ملاحظه می کنند خداوند کسانی را جزو متقین می داند که اراده علو (آری اراده علوا) در روی زمین نکنند و اراده فساد در روی زمین نمایند نه اینکه تنها از باب اتفاق، علوی و فسادی نداشته باشند و منظور اسلام این نیست که علو و فساد را بدون اراده انجام ندهند بلکه اسلام میخواهد فساد و علو را از روی اراده انجام ندهند و بدون اینکه زمینه

واژه «استکبار» و «تقوا» دو حالت متضاد روحی هستند که هرگز با یکدیگر سازگار نیستند و بین آنانان تباین وجود دارد یعنی هیچ فرد پارسائی نمیتواند مستکبر باشد و هرگز هیچ مستکبری نمیتواند تقوای بمعنای واقعی کلمه داشته باشد و قرآن در این مورد ظرافت خاصی بکار برده این حقیقت را بایبانی جالب و لطیف ذکر کرده است و در معرفی پرهیزکاران چنین می گوید: «تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقين» (۱)

(۱) سورة قصص آیه ۸۳

عملی آن در جامعه فراهم باشد و عبارت دیگر اسلام با این حکیمان می‌خواهد ریشه علو و استکبار و فساد را از مغزها و اعماق جان‌ها بیرون آورده و تصرف در روح و نفس آدمیان نماید و از منشاء اصلاح کرده، زمینه رشد جرثومه فساد و استکبار و علو را کاملاً از بین ببرد که زهر بنای اصلاح اکثر امور جوامع می‌باشد! از این جا ماهیت تمام داعیان دروغین حقوق بشر و طرفداران تسلیحات اخلاقی! و غیر آنان از کسانی که داعی اصلاح جوامع بشری را دارند (البته اگر حسن نیت داشته باشند که ندارند و طرفدار واقعی اصلاح باشند که نیستند) بخوبی روشن می‌شود زیرا طرفداران تسلیحات اخلاقی تمام زمینه‌های فساد و علو را در جوامع آزاد می‌گذارند و با آنها مبارزه اساسی و بی‌گیر نمی‌کنند (بلکه نمی‌خواهند بکنند) و تنها به لفاظی می‌پردازند و شعار می‌دهند و از جهانیان می‌خواهند بسوی اخلاق نیکو روی آورند و فساد نکنند! و مثل داعیان دروغین اصلاح بشر درست‌مشکل آن دزد خروس که دم آن از آن طرف پیدا است می‌باشد و از این‌گونه تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه بر حجم مشکلات و دردها و گرفتاریهای جامعه‌ها می‌افزایند زیرا بیراهه می‌روند و دنیا را به بیراهه می‌کشاند.

(۱) معالم العبر ص ۵۳

و بجز آن می‌توان ادعا کرد که برنامه‌های روشن و اصیل و شیوه‌هایی که اسلام برای پیشبرد اهداف عالی انسانیت و اداره آن در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اصلاح جامعه و قطع ریشه‌های فساد پیشنهاد کرده است در هیچ کدام از مذاهب و ادیان و گروه‌های اصلاح امور دنیا و اداره آن، به چشم نمی‌خورد.

جالب توجه اینست که از راز (عدم اراده علو و عدم استکبار) در برخی از روایات بعنوان (اولین درجه تقوا) تعبیر آورده شده است و آنچه مذکور بنحو جالبی تفسیر شده است.

امام صادق (ع) در ضمن يك حديث طولانی چنین می‌فرماید: **ولا يطلب الدنيا تكاثراً و تفاخراً و لا يطلب عند الناس عزاً و علواً و لا يدع ایامه باطلاً فهذا اول درجة التقى قال الله تعالى: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض و لا فساداً و العاقبة للمتقين» (۱)**

«هدف اصلی از زندگی دنیا را تکثیر و تفاخر ندان و عزت از مردم طلب نکن و استکبار نداشته باش و زندگی (و روزها و شب‌های این دنیا) را بهیوده و عبث نگذران و این، اولین درجه تقوا است (بطوریکه هر انسان متقی باید آنرا داشته باشد) چنانکه خداوند (در قرآن مجید) می‌فرماید ماسرای آخرت را برای آنانکه در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند

مخصوص مسی گردانیم و حسن عاقبت
مخصوص پرهیزکاران است .»

آری تقوا در جاتی دارد که باید در
مسیر تکامل آن درجات راهی بود تا به قرب
پروردگار رسید و عدم تکاثر و تفاخر و عدم
استکبارتنها اول درجه تقوا بشمار می رود
و از عبارت (اول درجه التقوی) این نکته
جالب استفاده می شود که تقوا در جاتی
دارد که بر یکدیگر مترتب هستند بدین
ترتیب که اولاً اینطور نیست که باسانی
بتوان متقی شد و یا تظاهر به تقوا و با
بکار بستن چند عمل نیکو نمیتوان عنوان
مقدس تقوا را بر خویشتن پیرایه بست
چنانکه با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین
نمیگردد .

و ثانیاً تقوا مراحلی دارد و درجاتی که
باید آنها را با دقت و حوصله و پشت کار و
ممارست و ... پیمود و این مراحل نیز در
طول هم قرار دارند و مترتب بر یکدیگر
هستند بطوریکه درجه اول را بخوبی با
شرایط خود نپیمائیم هرگز بدرجه دوم و
سوم و ... نمی رسیم و درست مانند پله های
نردبان که با گذشتن از یک پله به پله
دیگری می رسیم تا بمقصد نهائی و لا غیر و از
اینجا درمی یابیم که باید پوسته قشری خود
را که همانا تظاهر و تفاخر و استکبار و
حالت روحی خودخواهی و خود بینی و ...
است بشکنیم تا مرغ روح بتواند در فضای
آزاد بیکران معنویت به پرواز درآید و از

عالم مادیت که همان محدودیت و عالم
تزام می باشد خارج شده در عالم معنویت
بر از نشاط و لذت دور از هر گونه التزام
گام بردارد .

* * *

تقوا و نفاق

متقین کسانی هستند که در این دنیا
کارهایی انجام می دهند که در سرای دیگر
مورد نیاز آنان می باشد و از اعمالی دوری
کنند که مانع ترقی و تکامل روحی آنان
بوده موجب بدبختی در این دنیا و عذاب
در دنیای دیگرشان می شود بخلاف کفار
و مشرکین و منافقین که آنان دقیقاً اعمالی
انجام می دهند که ظاهراً برفع زندگی آبی
و زود گذر آنان است ولیکن نه تنها تناسبی
با بهبود وضع آنان در سرای دیگر ندارد
بلکه موجب خذلان و بدبختی و سقوط
است .

مثل متقی و غیر متقی در این عالم درست
مثل جنینی در رحم مادر می باشد که اعمال
بدنی و رشد جسمی و روحی او بیشتر برای
زندگی در دنیای بعد جنینی مورد نیاز است
یعنی پرهیزکاران با تحمل مشقات زیاد و
کف نفس و خوداری از معاصی در حقیقت
زمینه سعادت اخروی خود را فراهم می -
سازند چنانکه کفار و منافقین و مشرکین
درست در خلاف مسیر تکامل خویش حرکت
می کنند و راه سعادت و نیاز روحی خود را
در سرای آخرت بدست خود اختیاراً بروی

خود می بندند .

از این جهت است که دیدگاه متقی و اندیشه و نظر وی همه مراحل زندگی در این دنیا و آن دنیا نسبت به حقایق و افراد و دوستان خود نه تنها فرقی نمی کند بلکه رو به تکامل می رود و بینش روشنتر و صحیح تر پیدا می کند .

و اما غیر متقین در دنیا اگر نسبت بهم دوست باشند و لکن دوستی آنان بر محور منافع مادی زودگذر بوده، پایدار نمی باشد قرآن کریم این واقعیت را بنحو بارزی نقل می کند: «...الا خلاء یومئذ بعضهم بعضاً عدو الالمتقین» «... آنروز دوستان بایکدیگر دشمنند بجز متقیان (که اهل تقوا، دوستیشان با هم در دنیا و آخرت پایدار است) . ماهره یزکاران راتنها باین نشانه نمی-

شناسیم بلکه صفات و نشانه های دیگری دارند که بدینوسیله می توان آنان از غیر، تشخیص داد و گول شیادان را نخورد ، امام باقر (ع) بنقل از علی (ع) صفات متقین را چنین می شمارد :

علی (ع) همواره می فرمود: اهل تقوا نشانه هایی دارند که با آنها شناخته می شوند: راست گوئی و اداء امانت و وفا بعهد و کمی ناتوانی کمی بخل و رسیدگی بخو- بشاوندان خود (صله رحم) و مهره سانی بزرگستان و ضعیفان و در بست در اختیار زنان نبودن و نیکوکاری و خوی نیک و زیادی بردباری و پیروی از علمی که انسانها را به خدا نزدیک گرداند - بهشت جای چنین کسانی است و چه جای خوبی است! (۱) .

(۱) «... کان امیر المومنین (ع) یقول ان لاهل التقوی علامات یعرفون بها صدق الحدیث و اداء الامانة و وفاء بالمهد و قلة المعجز و البخل و صلة الارحام و رحمة الضعفاء و قلة المؤاتاة للنساء و بذل المعروف و حسن الخلق و سعة العلم و اتباع العلم فیما یقرب الی الله طوی بهم و حسن ما ب...» (بحار ج ۷-۲۸۲)

و افزایش تولید نیز ، بدنبوبه خود سبب افزایش تقاضا می گردد .

ولی باید توجه کرد آن تقاضائی که مایه بالارفتن تولید شده ، غیر از آن تقاضائی است که معلول افزایش تولید می باشد هر چند هر دو تحت عنوان «الزایش تقاضا» قرار می گیرند .

پایه از صفحه ۱۹

نیست بلکه تغییر شکل یک پدیده مطرح می باشد .

در مثال اجتماعی که می زند عین این اشتباه حاکم است می گوید : افزایش تقاضای بعضی کالاها موجب افزایش تولید آن کالا می شود